

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

تیر پیشنهادی: ضرورت سوق اعتبارات بانکی به بخش تولید

ضرورت سوق اعتبارات بانکی به بخش تولید

در هر کسب و کاری سرمایه به عنوان یکی از مهمترین عوامل تولید به شمار رفته و کارآفرینان و سرمایه گذاران برای تولید محصول خود نیازمند تأمین سرمایه لازم یا تأمین مالی می‌باشند. در همین راستا بدست آوردن سرمایه و تأمین مالی برای راه اندازی کسب و کار و توسعه آن همواره به عنوان چالش جدی برای صاحبان بنگاه‌های تولیدی و کارآفرینان مطرح بوده است. صاحبان بنگاه‌های تولیدی برای شروع و ادامه فعالیت خود و در واقع بقای کسب و کار نیازمند تأمین سرمایه لازم می‌باشند.

به طور معمول بنگاه‌ها به منظور تأمین سرمایه بیشتر و ادامه فعالیت و همچنین رشد و شکوفایی خود به سوی بازارهای مالی روانه می‌شوند. این بازارها می‌توانند منابع متعدد مالی را با قیمتهای مشخص در اختیار صاحبان بنگاه‌های و کارآفرینان قرار داده و نیازهای مالی «کوتاه مدت» مبتنی بر ابزارهای مالی بازار پول و «بلندمدت» مبتنی بر ابزارهای مالی بازار سرمایه، آنها را به صورت متنوع مرتفع سازد. بررسی مسائل و مشکلات واحدهای تولیدی در ایران نشان می‌دهد که تأمین نقدینگی و سرمایه در گردش یکی از مشکلات جدی واحدهای تولیدی و صنعتی است و در حال حاضر ۷۰ درصد بنگاه‌ها با مشکل تأمین نقدینگی مواجه هستند این در حالی است که بررسی شرایط حاکم بر بازار پول کشور بیانگر استفاده ناچیز از تسهیلات سیستم بانکی توسط بنگاه‌ها می‌باشد.

زیرا این دیدگاه در مسولان بانکی کشور وجود دارد که بانک‌ها به عنوان واسطه نقدینگی مردم برای انجام فعالیت سودآور، وکیل مردم هستند لذا منابع مالی را در جایی باید سرمایه‌گذاری کنند که سودآور باشد. عدم اعتماد، ریسک بالای سرمایه‌گذاری، سود کم و بی‌ثباتی در واحدهای تولیدی موجب شده تا بانک‌ها رغبتی به سرمایه‌گذاری در بخش تولید نداشته باشند و ترجیح دهند سرمایه خود را در اختیار واحدهای بازرگانی و خدماتی که سود آنها تضمین شده است و بازگشت سرمایه در کوتاه مدت صورت می‌گیرد، قرار دهند. به عبارتی سهم بخش تولید از منابع مالی بانک‌ها ناعادلانه است و تسهیل این کار به عزم جدی بانک مرکزی و بانک‌ها نیاز دارد.

از طرفی یکی از شاخص‌های رتبه‌بندی کشورها در فضای کسب و کار، روابط بنگاه‌های بخش خصوصی با سیستم بانکی است که جایگاه ایران در این رتبه‌بندی بسیار پایین است که بیانگر عدم استفاده از تسهیلات سیستم بانکی توسط بخش خصوصی می‌باشد. این امر در شرایطی است که تولیدکنندگان جهت دریافت وام از بانک‌ها ناچار به سپرده‌گذاری زیاد و طولانی هستند که آزاد شدن این سپرده‌ها بخشی از مشکل تامین مالی آنها را مرتفع می‌کند.

شناسایی کامل و اساسی راه‌های تامین مالی در هر کشور، بدون توجه به زیرساختها، و پایه‌ها و نهادهای مالی آن کشور امکان پذیر نیست از طرفی بخش تولید در رده سرمایه‌گذاری کلان و بلندمدت قرار دارد و جذب سرمایه‌گذاری بلندمدت به ثبات سیاست‌های پولی و بانکی و پایین بودن تورم بستگی دارد. با توجه به زیرساختها و پایه‌های اقتصاد ایران به نظر می‌رسد مناسب‌ترین روش جهت تامین مالی بنگاه‌های تولیدی سامان‌دهی توزیع اعتبارات بانکی در جهت حمایت از تولید ملی است.

این در حالی است که بررسی روند سهم بخش‌های مختلف اقتصادی از مانده تسهیلات اعطایی طی سال‌های اخیر بیانگر توزیع بیشتر به بخش‌های خدمات و بازرگانی است و بخش‌های تولیدی و صادراتی در طی زمان سهم خود را از دست داده‌اند. شاید یکی از مهمترین دلایل برای افزایش سهم بخش‌های بازرگانی و خدمات از

کل تسهیلات بانکی را باید در گرایش و تمایل بانکها به اعطای اعتبارات با نرخهای سود بالاتر جستجو نمود. اصولاً بانکها تمایل دارند تسهیلات خود را به مثابه یک کالای خاص با بالاترین قیمت به فروش برسانند. اگر چه بخش‌های خدمات و بازرگانی اهمیت خاص خود را در هر اقتصادی دارند اما این موضوع نباید به تضعیف سایر بخش‌های اقتصادی بویژه بخش تولید منجر شود. ادامه این روند شرایط نامناسبی را برای متقاضیان تسهیلات در بخش‌های تولیدی ایجاد می‌کند و با رویکرد حمایت از تولید در تناقض است. در این راستا ضروری است متولیان بازار پول کشور فراتر از ابلاغ بخشنامه و دستورالعمل‌های که هر ساله خواستار تسهیل پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی است، در قالب یک بسته سیاستی-عملیاتی، نسبت به تدوین راهکارهایی نسبت به تسهیل روابط بنگاه‌های تولیدی با سیستم بانکی اقدام نماید.

تایید رییس موسسه: <input type="checkbox"/>	تایید حوزه ریاست: <input type="checkbox"/>	تایید مدیر ذیربط: <input type="checkbox"/>	تایید تهیه کننده: <input type="checkbox"/>
---	---	---	---